

شماره: ۱۷۱۳
تاریخ: ۹۹/۵/۲
پوست:

بسمه تعالی



شورای عالی
اسان رسمی دادگستری

رئیس محترم هیئت مدیره کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، مازندران، گیلان، کرمان، یزد، خوزستان، فارس، خراسان، اصفهان، قزوین، کرمانشاه، قم، اردبیل، گلستان، لرستان، تهران، همدان، سیستان و بلوچستان، زنجان، مرکزی، چهارمحال و بختیاری، کردستان، بوشهر، هرمزگان، کهگیلویه و بویراحمد، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، البرز، ایلام، سمنان

باسلام

۱. به پیوست رأی وحدت رویه شماره ۶۱۳ مورخ ۱۳۷۵/۱۰/۱۸ دیوانعالی کشور و نظریه مشورتی شماره ۷/۹۷/۳۱۵۹ مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۱۲ اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضاییه در خصوص امکان حق تجدیدنظرخواهی محکوم علیه از آرای صادره از محاکم و همچنین آرای انتظامی صادره از دادگاههای انتظامی کانونها (موضوع تبصره ۴ ماده ۲۳ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۱) را ایفاد می‌دارد. با توجه به اطلاق «محکوم علیه» به شخص حقیقی یا حقوقی که دادگاه به زیان وی رأی داده است، اعم از «شاکی» و دیگر طرف‌های پرونده، خواهشمند است ترتیبی اتخاذ شود که در صورت اعتراض هریک از طرفین پرونده انتظامی، اعم از شاکی، کارشناسان، و هیئت مدیره کانون‌ها، پرونده امر عیناً به شورای عالی کارشناسان ارسال شود تا در دادگاه محترم تجدیدنظر انتظامی، مطابق مقررات، مورد رسیدگی و تجدیدنظر قرار گیرد.
۲. برای جلوگیری از تضییع حقوق شکات و رفع هرگونه ابهام حقوقی، آرای تیرئه که دادگاههای انتظامی استان صادر می‌نمایند، مستقل از نظر اولیه دادرای انتظامی استان، نیز مشمول حکم یاد شده خواهند بود و، در صورت تجدیدنظرخواهی شاکی، پرونده به شورای عالی کارشناسان رسمی دادگستری ارسال تا در دادگاه تجدیدنظر انتظامی مورد رسیدگی و تصمیم‌گیری قرار گیرد. آرای صادره از دادگاههای انتظامی در تأیید قهر منع تعقیب صادره از دادرای انتظامی نیز قابل درخواست تجدیدنظر توسط هیأت مدیره و محکوم علیه هستند.
- یادآور می‌شود که در ماده ۲۱ قانون کانون، حکمی به قطعیت قرار منع تعقیب دادگاه انتظامی داده نشده است. قرار منع تعقیب در دادگاه انتظامی یکی از تصمیمات دادگاه انتظامی استان است و تبصره ۴ ماده ۲۳ قانون، تصمیمات دادگاه انتظامی را علی‌الاطلاق توسط هیأت مدیره و محکوم علیه قابل تجدیدنظر اعلام داشته است.
- رسیدگی به شکایات در دادگاه انتظامی کانون، مستقل از مقررات آیین دادرسی کیفری و حقوقی است و دادستان انتظامی کانون در هر استان، مقام قضایی نیست. وی منتخب کارشناسان کانون استان ذیربط است و برای انتخاب شدن، الزامی به داشتن صلاحیت‌های قضایی، از جمله تحصیلات حقوقی یا سابقه قضایی، ندارد. بنابراین نظر اولیه دادر، به عنوان یک مرحله رسیدگی قضایی تلقی نمی‌شود.

۱- از رئیس
۲- تقدیم به هیئت مدیره و هیأت مدیره
اجرای مفاد این دستورالعمل، از تاریخ صدور آن الزامی است.

طهماسب مظاهری
رئیس شورای عالی

۱- از رئیس
۲- تقدیم به هیئت مدیره و هیأت مدیره
۹۹/۵/۲

رای رحمت ربیه 613 - 1375/10/18 - دائره

همانطور که ملاحظه می فرمایید در استنباط از ماده ۳۱ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب بین شعبه چهارم و نهم دیوان عالی کشور رویه های متفاوت اتخاذ شده بدین توضیح که از نظر شعبه چهارم محکوم علیه کسی است که به حکم دادگاه به انجام عملی ملزم و یا به تحمل مجازاتی محکوم شده باشد و مدعی و شاکی که ادعا و شکایت آن ها در محکمه پذیرفته نشده محکوم علیه نمی باشند و نمی توانند بر اساس ماده ۳۱ تقاضای تجدید نظر نمایند ولی شعبه نهم، محکوم علیه مذکور مندرج در ماده را اعم از شاکی و مدعی و یا کسی که دادگاه او را محکوم نموده می داند لذا به منظور ایجاد رویه واحد قضایی به استناد ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب هفتم تیر ماه ۱۳۳۸ تقاضای طرح موضوع را در هیات عمومی دیوان عالی کشور دارد.

معاون اول قضایی دیوان عالی کشور - حسینعلی نبیری

به تاریخ روز سه شنبه ۱۳۷۵/۱۰/۱۸ جلسه هیات عمومی دیوان عالی کشور به ریاست حضرت آیت الله محمد محمدی گیلانی رئیس دیوان عالی کشور و با حضور جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان محترم کل کشور و جناب آقایان رؤسا و مستشاران شعب کیفری و حقوقی دیوان عالی کشور تشکیل گردید.

پس از طرح موضوع و قرانت گزارش و بررسی اوراق پرونده و استماع عقیده جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان محترم کل کشور مبنی بر: «گرچه از ظاهر ماده ۳۱ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب استنباط می شود اصطلاح محکوم علیه، ناظر به متهم پرونده جزایی و یا خواننده دعوی حقوقی است که محکومیت پیدا کرده اند، لکن در امر کیفری شاکی و مدعی خصوصی و در مسائل حقوقی خواهان دعوی که در دعاوی مربوطه حکم به ضرر آن ها صادر شده است چون یکی از طرفین دعوی می باشند با ملاحظه نتیجه حاصله از دادرسی آن ها نیز در حکم محکوم علیه خواهند بود و ماده ۳۱ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب به چنین مواردی نیز تسری خواهد داشت و آن ها می توانند از مقررات ماده مککور استفاده نمایند. بنابراین رای شعبه نهم دیوان عالی کشور که بر این اساس صادر شده موجه بوده معتقد به تأیید آن می باشم.» مشاوره نموده و اکثریت بدین شرح رای داده اند.

رای شماره ۴۱۳-۱۳۷۵/۱۰/۱۸

رای وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور

مقصود قانونگذار از وضع ماده ۳۱ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۵ مجلس شورای اسلامی به قرینه عبارات مذکور در آن ممانعت از تضییع حقوق افراد و جلوگیری از اجرای احکامی است که به تشخیص دادستان کل کشور مغایر قانون و یا موازین شرعی انور اسلام صادر شده است و چنین احکامی اعم است از آنکه موجب عدم دسترسی به حقوق شرعی و قانونی افراد باشد و یا آنان را برخلاف حق به تادیبه مال و یا انجام امری مکلف نماید و خصوصیتی برای محکوم علیه در اصطلاح و رویه متداول قضایی نیست و بر این اساس مفاد کلمه محکوم علیه در ماده مزبور شامل خواهان و یا شاکی که ادعای او رد شده باشد نیز می شود. علیهذا رای شعبه ۹ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح و قانونی تشخیص می شود این رای بر طبق ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۳۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

جناب دعوات حقوق افراد قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب



جمهوری اسلامی ایران

قوه قضائیه

بسمه تعالی
به تشکر از اداره کل حقوقی قوه قضائیه

تاریخ: ۱۳۹۷/۰۶/۱۲

شماره: ۱۳۹۸/۰۶/۱۲

پرونده: ۷/۹۷/۳۱۵۹

شماره پرونده: ۳۱۵۹-۱۰۰-۹۷

این نامه ورأی وحدت رویه قضیه، راه را برای پذیرش اعتراض شاکی حکمی

که به برای دادگاه بدوی انتظامی اعتراض دارند باز

می کند تا دادگاه تجدید نظر آن را رسیدگی کند کار برابر دادگاه تجدید نظر کمی زیاد می شود. اما در عرض نهضت برقرار عدالت را بیشتر می کند. این گامی و کمی برای وحدت رویه را به اعصار و عدالت رئیس محترم شورای عالی کارشناسان رسمی دادگستری و سایر کارکنان و ارکان قانون استناد دادگاهها تجدید نظر را

کنیم.
۹۸۱۲/۵

با سلام و احترام؛

بازگشت به استعلام شماره ۳۹۳۶/ش مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۳ به شماره ثبت وارده ۳۱۵۹ مورخ

۱۳۹۷/۱۱/۲۷، نظریه مشورتی کمیسیون آیین دادرسی مدنی این اداره کل به شرح زیر اعلام می گردد:

با عنایت به این که مقنن از یک سو برابر ماده ۲۱ قانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب

۱۳۸۱ برای شاکی انتظامی حق اعتراض به قرار منع تعقیب دادسرا قائل شده است و از سوی دیگر در

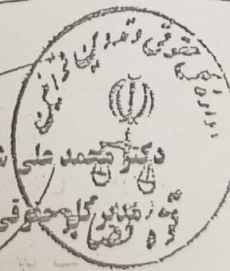
تبصره ۷ ماده ۲۳ قانون یاد شده وی را مکلف به پرداخت دستمزد کارشناسی در موارد مشمول این

تبصره دانسته است به نظر می رسد مقنن برای شاکی انتظامی در فرایند رسیدگی به تخلف کارشناس،

حقوق و تکالیفی مقرر نموده است، بنابراین باید اطلاق واژه «محکوم علیه» مذکور در تبصره ۳ ماده ۲۳

این قانون را شامل شاکی انتظامی که حکم به رد شکایت وی صادر شده است، نیز دانست. رأی وحدت

رویه شماره ۶۱۳-۱۸/۱۰/۱۳۷۵ می تواند مؤید این نظر باشد. بقا



دکتر محمد علی شاه حیدری پور
رئیس کل حقوقی قوه قضائیه

تاریخ: ۹۸۱۲/۵
شماره: ۹۸۱۲/۵
پرونده: ۷/۹۷/۳۱۵۹

نمونه - بیانیه دادگاه بدوی - سازمان قوه قضائیه - به نشانی: اداره کل حقوقی قوه قضائیه - تهران ۱۱۳۱۳۳۳۱۱